

بیانات در دیدار مردم اصفهان - 26 / آبان / 1395

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله فى الارضين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

خیلی خوشوقتم که بحمدالله توفیق دست داد که یک بار دیگر با جمعی از مردم عزیز و برجسته‌ی اصفهان دیداری در این حسینیه داشته باشیم. حرف با اصفهان و اصفهانی زیاد است لکن این دیدار به مناسبت بیست و پنجم آبان است، لذا من عرایضم را از اینجا شروع میکنم. بیست و پنجم آبان تا آخر آبان، از روزهایی است که نه فقط اصفهان بلکه کشور و تاریخ و معارف ما آن را نباید هرگز فراموش کند. در بیست و پنجم آبان سال ۶۱ در یک روز اصفهانی‌ها حدود ۳۶۰ شهید را تشییع کردند؛ این چیز کوچکی نیست. حدود ۳۶۰ شهید در یک روز وارد اصفهان شدند و روی دست مردم تشییع شدند. شما جوانها نبودید، آن روزها را ندیدید، آن حماسه و آن شور را ندیدید. چند روز بعد [هم] -اینکه عرض میکنیم تا آخر آبان، چون شاید هنوز به سی‌ام آبان نرسیده بود- ۲۵۰ شهید دیگر را وارد اصفهان کردند؛ باز مردم تشییع کردند، روی دست گرفتند و با استحکام، طاقت نشان دادند؛ خیلی طاقت میخواهد، خیلی ظرفیت میخواهد. ظرفیت روحی بالاتر است از ظرفیت جسمی و ظرفیت اجتماعی. اینکه مردم یک شهر بچه‌های خودشان را، جوانهای خودشان را، آن‌هم بهترین جوانها را، بر روی دستشان تشییع کنند و خم به ابرو نیاورند، خیلی مهم است. اینها را اگر در تاریخ نوشته بودند، در کتابها برای ما میخواندند، ما راحت باور نمیکردیم اما به چشم خودمان دیدیم. چطور طاقت آوردند؟ در همان روز و فردای آن روزی که حدود ۳۶۰ شهید تشییع شدند، جوانها صف کشیدند برای رفتن به جبهه و رفتند. دو لشکر قدر که در شهر اصفهان و شهرهای استان اصفهان بودند -لشکر امام حسین (علیه‌السلام) و لشکر نجف- دوباره پُر شد از جمعیت جوان مؤمن و فداکار. نه پدر و مادرها مانع شدند، نه جوانها تردید کردند. دوباره همان دو لشکر خط‌شکن که این ضایعه‌ی سنگین بر آنها وارد شده بود، پُر شد. در عملیات محرم بیشتر شهدا اصفهانی بودند؛ اصفهان این است. نباید بگذارید این فراموش بشود.

عزیزان من! بدانید یکی از نقاط اصلی تهاجم دشمنان این کشور و دشمنان این انقلاب، کم‌رنگ کردن همین نقطه‌های برجسته است؛ روی این تکیه دارند که [اینها را] به فراموشی بسپارند، فراموش بشود. شما میبینید [اگر] یک شهید در فلان کشور غربی و اروپایی -که حالا [کاری نداریم] چه جوری بوده که به شهادت رسیده؛ کشته شده در راه یک انگیزه‌ای- وجود دارد، نمیگذارند اسمش از کتابها پاک بشود، نمیگذارند از خاطرها محو بشود؛ ما چرا بگذاریم این حرکت عظیم مردم اصفهان فراموش بشود؟ اصفهان این است.

خب امسال، این روزها مصادف شده با ایام اربعین. این راهپیمایی را میبینید؟ این حرکت عظیم میلیونی بین نجف و کربلا را، بین نجف و امام حسین را مشاهده میکنید؟ این شور و شوق را میبینید؟ این حرکت را میبینید؟ این حرکت آن وقتی که لازم باشد با خطر همراه بشود، باز هم این شور و شوق در ملت ما، در مردم ما، در جوانهای ما وجود دارد؛ این را باید نگه داشت، این آن چیزی است که ضامن بقای این کشور است.

خب، حالا چند جمله‌ای هم جناب آقای طباطبائی اشاره کردند و فرمودند که بنده درباره‌ی مناقب اصفهان و مردم اصفهان حرفهایی دارم، نظراتی دارم؛ واقعه‌ش هم همین است. اصفهان شهر علم، شهر دین، شهر ولایت، شهر کار و ابتکار، شهر هنر و فرهنگ و شهر شهادت است؛ استان شهادت [است]. شهر که میگوییم، یعنی مجموع استان اصفهان، با مرکزیت این شهر کهن و قدیمی و پُرافتخار. خمینی‌شهر اصفهان که یکی از شهرهای اصفهان است، بیش

از بعضی از استانهای کشور شهید دارد. اخیراً برای دو هزار و خرده‌ای از شهدای آنها یادبود گرفتند. یک شهر اصفهان از یک استان گاهی بیشتر شهید داده است؛ اینها معنا دارد. چرا شهید میشوند؟ چرا میروند؟ این چه انگیزه‌ای است؟ این چه روحیه‌ای است؟ شهر پیشگامی و پیش قدمی [است].

اشاره کردند به حرکات مردم اصفهان در زمینه‌ی اقتصاد مقاومتی؛ بله، بنده هم همین عقیده را دارم. مردم اصفهان در انفاق - انفاق مال در راه خدا - آنچنان گشاده‌دستی میکنند که از دیگران جلو می‌افتند اما در زندگی معمولی صرفه‌جویی میکنند که باز در این قسمت هم از دیگران جلو می‌افتند؛ هردویش خوب است. [اینکه] مال را وقتی میخواهیم در زندگی شخصی خرج کنیم، در زندگی معمولی خرج کنیم، صرفه‌جویی بکنیم، این همان خصوصیت اصفهانی است؛ وقتی هم میخواهیم در راه‌های خدایی و عمومی مصرف کنیم، باز گشاده‌دستی کنیم، این هم خصوصیت اصفهانی است. خیرین بخشهای مختلف در اصفهان [این‌طور هستند]. شهر ظرافت، شهر هنر، شهر شهیدان بزرگ و نام‌آور؛ شهیدی مثل آیت‌الله بهشتی در یک سمت، و [در سمت دیگر] شهدائی مثل شهید خرازی و شهید همت و شهید کاظمی و شهید رذائی‌پور و بزرگان و نام‌آورانی که هرکدام از اینها میتوانند مشعلی باشند و راه یک ملت را روشن کنند و باز کنند. اینها مناقب است، این شناسنامه‌ی شما است؛ شناسنامه‌ی مردم اصفهان این است. ایستادگی در راه درست، [یعنی] شهر انقلاب. قبل از پیروزی انقلاب در دوران طاغوت، در ده پانزده شهر اعلام حکومت نظامی شد؛ در اصفهان چند ماه قبل از همه‌ی شهرها و پیش از همه‌جا اعلام حکومت نظامی شد؛ این اصفهان است. شناسنامه‌ی اصفهان این است: شهر انقلاب، شهر دین، شهر ولایت، شهر خدمت، شهر کار، شهر علم، شهر تربیت نیروی انسانی. من حالا در آن اتاق به دوستان عرض میکردم که در بخشهای مختلف، حضور نیروهای انسانی تربیت‌شده‌ی اصفهانی حضور برجسته و روشن و آشکاری است؛ اینها را باید حفظ کنید، اینها را باید نگه دارید.

همه‌ی جوانهای عزیز ما بدانند که دشمنان بیکار نمی‌نشینند، نقشه میکشند؛ هنر این است که نقشه‌ی دشمن را، توطئه‌ی دشمن را، نقطه‌ای را که آماج حمله‌ی دشمن است، بشناسیم و برای مواجهه‌ی با او، برای مقابله‌ی با او، برای خنثی کردن کار دشمن، طرح داشته باشیم، انگیزه داشته باشیم، فکر داشته باشیم. وادادگی در مقابل دشمن، دروازه‌ی همه‌ی آسیب‌هایی است که بر یک کشوری وارد میشود. ما میخواهیم کشورمان را به برکت اسلام به اوج برسانیم؛ ما میخواهیم ملت ایران را - آن‌چنان که شایسته‌ی این ملت است - به نقطه‌ای برسانیم که الگو باشد؛ نه فقط برای دنیای اسلام و ملت‌های مسلمان، بلکه برای بشریت؛ خب این کار بزرگی است، این راه دشوار و طولانی‌ای است. دشمن اسلام نمیخواهد که نام اسلام یک چنین عظمت و شکوهی پیدا کند؛ دشمن شیعه هم نمیخواهد؛ بنابراین می‌نشینند توطئه میکنند، می‌نشینند فعالیت میکنند، می‌نشینند نقشه میکشند. نباید از نقشه‌ی آنها غافل شد.

من آنچه نیاز امروز میدانم، ایستادگی بر اصول انقلاب در درجه‌ی اول است. اصول انقلاب هم همان چیزهایی است که در وصیت‌نامه‌ی امام و در بیانات امام وجود دارد؛ اینها پایه‌های انقلاب و ستونهای انقلاب است. به جوانها توصیه میکنم وصیت‌نامه‌ی امام را بخوانید؛ شما امام را ندیده‌اید اما امام مجسم در همین وصیت‌نامه است؛ مجسم در همین بیانات و گفتارها است. محتوای آن امامی که توانست دنیا را تکان بدهد، همین چیزهایی است که در این وصیت‌نامه و مانند اینها هست؛ نمیشود امام را تأویل کرد، نمیشود امام را برخلاف آنچه بود معنا کرد، حرفهای او موجود است. پافشاری بر اصول انقلاب [لازم است].

من آن‌روز به جمعی از جوانهای علمی و نخبه‌ای که اینجا بودند گفتم که این از روی لجاجت نیست، از روی تعصب و حمیت جاهلیت نیست، این به‌معنای این است که اگر این کشور می‌خواهد غبار عقب‌افتادگی قرن‌ها تحمیل را از سر و روی خودش پاک کند، این راه را باید برود؛ اگر میخواهیم مشکلات این کشور حل بشود، اگر میخواهیم این

کشور عزت پیدا کند، رفاه پیدا کند، کشوری بشود که از لحاظ پیشرفتهای مادی و معنوی و اخلاقی و فرهنگی الگو بشود، باید راه انقلاب را ادامه بدهیم؛ انقلاب، راه علاج منحصر این کشور بود و هست و در آینده هم خواهد بود.

امروز یکی از چیزهایی که از لحاظ عملی مهم است، مسئلهی اقتصاد است؛ دشمن روی اقتصاد کشور ما متمرکز شده. از نظر دشمن، اقتصاد کشور یک نقطه‌ی ضعیفی است که [او] میتواند با تکیه‌ی بر آن نقطه‌ی ضعف، مقاصد سوء خودش را در مورد کشور عزیز ما و در مورد جمهوری اسلامی اعمال بکند؛ باید روی اقتصاد [کار کرد]. من گفتم اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصادی که از درون میجوشد و احتیاج ما را به دیگران کم میکند و استحکام کشور را در مقابل تکانه‌های خارجی افزایش میدهد؛ این معنای اقتصاد مقاومتی است. «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل»، این اقدام و عمل باید در جلوی چشم مردم قرار بگیرد و مردم این را ببینند؛ این توقع و خواسته‌ی ما از مسئولین است که با آنها هم در میان میگذاریم؛ این مسائل را ما با مسئولین مرتباً در میان میگذاریم و به آنها میگوییم. شاخصه‌های اقدام و عمل را باید نشان داد.

از جمله‌ی چیزهایی که امروز لازم است، بصیرت سیاسی است؛ بصیرت سیاسی! ببینید؛ وقتی بصیرت باشد، انسان میتواند محیط پیرامون خود و محیط‌های دور و نزدیک را بشناسد؛ بصیرت یعنی این. وقتی بصیرت نباشد، انسان مجذوب یک چیزی میشود که واقعاً جاذبه‌ای ندارد؛ یک عده‌ای مجذوب آمریکا هستند، اما این مجذوبیت، مجذوبیت دروغین است؛ هیچ جاذبه‌ای ندارد. حالا اینها را ما می‌گفتیم؛ بعد دیدید که در این انتخابات، برجسته‌ترین شخصیت‌های سیاسی همان کشور آمدند همان چیزهایی را که ما می‌گفتیم، بیشتر یا دو برابر و یا چند برابرش را گفتند. این رئیس‌جمهوری که در آمریکا انتخاب شده است، (۲) میگوید اگر آن پولی که در این چند سال ما آمریکایی‌ها خرج جنگ کردیم، میخواستیم در داخل آمریکا مصرف کنیم، دو بار میتوانستیم آمریکا را بسازیم و این همه جاده‌ی خراب، این همه پل خراب، این همه سدّ خراب، این همه شهر خراب، این همه فقیر در آمریکا نداشتیم. آن کسانی که مجذوب آن نقطه‌ی خیالی هستند، اینها را حاضرند بفهمند؟ این خرابی‌ها در آن کشور وجود دارد و پول آن کشور صرف کارهای غیرشرافتمندانه میشود؛ [آیا] این جنگهایی که او میگوید ما چند تریلیون دلار خرجش کردیم - میگوید چند هزار میلیارد دلار خرج کردیم - اینها جنگهای شرافتمندانه‌ای بوده؟ جنگ هم دو جور است؛ یک جنگ، جنگ شرافتمندانه است که انسان به قوانین انسانی احترام میگذارد. خب یک دشمنی به انسان حمله کرده، انسان در مقابل او مجبور است بجنگد؛ این جنگ، شرافتمندانه است؛ اما آن جنگی که آمریکا در این چند سال در این منطقه به راه انداخت، جنگ شرافتمندانه نبود. خانه‌های مردم را خراب کردند، چندین ده هزار غیرنظامی را کشتند، زنها را کشتند، بچه‌ها را کشتند، بمب ریختند، مجلس عزا را و مجلس عروسی را بمباران کردند، زیرساخت‌های چند کشور را خراب کردند. شما ببینید اینها بر سر لیبی و بر سر سوریه و بر سر عراق و بر سر یمن و بر سر افغانستان چه آوردند! این چند تریلیون، خرج این چیزها شده. اینها حرفهایی است که ما همیشه می‌گفتیم. بصیرت این است که شما بدانید با چه کسی طرفید، بدانید که او درباره‌ی شما چه فکری دارد، بدانید که اگر چشم خودتان را بستید و فکر نکردید، ضربه خواهید خورد؛ این بصیرت است. توقع ما از نخبگان سیاسی و غیرسیاسی کشور این است که این بصیرت را داشته باشند. مردم خوشبختانه این بصیرت را دارند؛ تعجب است! مردم معمولی و توده‌های مردم این بصیرت سیاسی را دارند [اما] بعضی از نخبگان ما با تکیه بر توهمات که دارند، این بصیرت را ندارند.

البته حالا بنده هیچ قضاوتی در مورد این انتخاباتی که در آمریکا انجام گرفته است ندارم. آمریکا، آمریکا است؛ این حزب یا آن حزب، هر کدامشان سر کار آمدند، خیری به ما نرسانند، شر رسانند. یکی تحریم کرد، یکی هواپیما زد، یکی به سکوی نفتی حمله کرد، یکی به دشمنهای ما کمک کرد. ما نگرانی هم نداریم؛ ما به توفیق الهی برای مواجهه‌ی با هر حادثه‌ی محتمل آماده‌ایم. در دنیا عده‌ای عزا گرفته‌اند که چرا انتخابات در آن کشور این‌جوری شد؛

یک عده‌ای [هم] در دنیا خوشحال شدند و شادی کردند. ما نه، ما نه عزا میگیریم، نه شادی میکنیم؛ برای ما فرقی ندارد. ما فکر میکنیم که چگونه باید کشور را از مشکلات احتمالی عبور داد؛ ملت باید به این فکر کند. راه عبور از همه‌ی مشکلاتی که برای کشور محتمل است، چه در این دوره، چه در ده سال دیگر، چه در پنجاه سال دیگر، این است که کشور از درون مستحکم باشد. ببینید چه جوری استحکام حاصل میشود. استحکام داخلی نظام، اساس کار است؛ هم استحکام سیاسی، هم استحکام اقتصادی، هم استحکام فرهنگی، و هم بالاتر از همه استحکام روحی و روانی افراد، بخصوص نخبگان و بخصوص مسئولان ارشد کشور. این استحکام اگر وجود داشته باشد، هیچ خطری کشور را تهدید نمیکند. کشور در مقابل همه‌ی خطرهای آماده است. جوانهای عزیز ما بایستی این رویش مبارک روحیه‌ی انقلابی را ادامه بدهند. بحثها و جنجالها و حاشیه‌سازی‌ها و پرداختن به چیزهای کوچک و جزئی و مانند اینها مسئله‌ی کشور نیست؛ مسئله‌ی کشور، روحیه‌ی انقلابی است؛ مسئله‌ی کشور، جهت‌گیری انقلابی است؛ و از لحاظ عملی و برنامه‌ریزی، مسئله‌ی کشور، اقتصاد است که بارها عرض کرده‌ایم، پیشرفت علمی است که بارها عرض کرده‌ایم و اتحاد و انسجام آحاد ملت است که این را هم بارها عرض کرده‌ایم. اینها مسائل اصلی کشور است.

مردم اصفهان بحمدالله در گذشته‌ی دور و نزدیک، موفق بودند و از امتحانها سربلند بیرون آمدند. امتحانهای سخت برای اصفهان در گذشته‌های دور و نزدیک، امتحانهای سازنده بود. امتحان یعنی تمرین، امتحان الهی یعنی تمرین، یعنی رزمایش. رزمایش، نقطه‌ضعف‌های انسان را به او نشان میدهد و [او] سعی میکند آن نقطه‌ضعف‌ها را برطرف کند و تبدیل کند به نقطه‌ی قوت؛ این چیزی است که برای ملت ایران وجود دارد. اصفهان هم بحمدالله در این زمینه پیشرو و پیشگام است. امیدواریم همیشه همین‌جور باشد. عزیزان من! بدانید فردای این کشور از امروز این کشور بمراتب بهتر است و به فضل الهی و به حول و قوه‌ی الهی، این کشور به برکت انقلاب، به برکت آیات الهی، به برکت تکیه‌ی بر ایمان به قرآن و اسلام و تعالیم ائمه‌ی هدا (علیهم‌السلام) خواهد توانست بر تمام مشکلات فائق بیاید و پیش خواهد رفت و امیدواریم که ان‌شاءالله همین باشد. خیلی خوشحالیم از اینکه شما برادران و خواهران عزیز را زیارت کردیم. سلام ما را هم به همه‌ی برادران و خواهران اصفهانی برسانید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله

- ۱) در ابتدای این دیدار - که به مناسبت سالگرد تشییع پیکر ۳۷۰ شهید عملیات محرم در بیست و پنجم آبان سال ۱۳۶۱ در اصفهان برگزار شد - آیت‌الله سید یوسف طباطبائی (امام جمعه و نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان اصفهان) مطالبی بیان کرد.
- ۲) دونالد ترامپ